

معماری

روایت فضا

در معماری

www.ketab.ir

علیرضا مستقنی

معماری

- سرشناسه: مستغنی، علیرضا، ۱۳۴۴ -
عنوان و پدیدآورنده: روایت فضا در معماری / علیرضا مستغنی.
مشخصات نشر: تهران، متن در متن، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۲۴۶ ص.: مصور (بخشی رنگی).
فروست: معماری؛ ۱.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۸۷-۱-۹
رعیت فهرست نویسی: فیبا
داداشته: کتابخانه: ص. ۲۳۹-۲۳۱.
موضوع: فضا در معماری
رده بندی شنگر: ۵۹۳۱۹/۵۶۷۲/۸
رده بندی دیویی: ۱/۰۱۷
شماره کتابخانه سم: ۱۹۰، ۶۴۹۱



روایت فضا در معماری / مستغنی، علیرضا

نشر: متن در متن

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۸۷-۱-۹

حق چاپ برای ناشر محفوظ می باشد

● چکیده مقاله

انگاره 'فضا' در معماری، عمری بسیار کوتاهتر از تاریخ بلند معماری داشته و تصور 'فضای معماری'، ظهوری که امروز آن را می‌شناسیم، در تفکر متأخر و معاصر غرب (در دوران مدرن) نمود یافته است. مقایسه بین آثار ساخته شده، در فضا، بعد از طرح انگاره 'فضای معماری'، ما را در پذیرش ضرورت طرح 'تجدید نظر' خواهد ساخت؛ اما با توجه به حضور و گسترش بی‌بدیل 'فضا' در مباحثات نظری و در تبادلات آموزش معماری، نگاه دوباره بر این مفهوم، فارغ از اقتضائات و القائات تاریخی آن و به دور از کاستی‌های ناشی از این زمینه تاریخی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. بازاندیشی 'فضای معماری'، با توجه به گستردگی بار مفهوم 'فضا' در دوران متأخر، و با توجه به تأثیر باره‌ای پیش شرطهای فلسفی - زیباشناسانه در شکل‌گیری این انگاره؛ در کنار وجوه معمارانه قابل اطلاق بر آن، مستلزم بازخوانی 'روایت فضا' در بستر تفکری معمارانه خواهد بود.

● کلید واژه‌ها

فضا، فضای معماری، فضای خود، جدایی / ارتباط، مشارکت، فضای فردی، فضای جمعی، بینابینی، بین‌الذهانی، میدان ادراک، می‌دان ادراک، روایت، شک، من، دیگران، من - ما.

روایت فضا در معماری

فهرست مطالب:

۵	■ مقدمه
۱۲	■ فصل اول: انتخاب فضا در معماری
۱۵	● طرح اولیه، نیاز در معماری
۱۸	● دلایل و انگیزه های انتخاب فضا در معماری
۳۷	● وجوه متفاوت انتخاب فضا در معماری
۴۳	● انتخاب فضا پس از پذیرش
۴۴	● سیر تاریخی انتخاب فضا در معماری
۴۶	● نتایج حاصل از انتخاب فضا در معماری
۴۹	● جمع بندی و نتیجه گیری
۵۱	■ فصل دوم: فضا چیست ؟
۵۶	● انتخاب های موجود از فضا به مثابه تصویری کلی
۶۹	● خصوصیات فضا به مثابه تصویری کلی
۷۲	● انتخاب های موجود از فضا در مواجهه با انسان
۷۸	● جمع بندی و مرور نتایج
۸۷	■ فصل سوم: تقویم فضا در حیطه من
۹۶	● بازگشت به من محض (من استعلایی)
۹۹	● خاستگاه های بنیادین دریافت فضا
۱۰۶	● توصیف فضا در حیطه من روان - تنی
۱۲۸	● جمع بندی و نتیجه گیری

۱۳۷	فصل چهارم: تقویم فضا در حیطهٔ ما ^۱ (من - ما)
۱۴۰	• مروری بر مباحث
۱۴۷	• توصیف فضا در حیطهٔ من - ما ^۲
۱۷۴	• جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۷۶	فصل پنجم: فضای معماری (جمع‌بندی و نتیجه‌گیری)
۱۷۷	• تحلیل و تطبیق داده‌ها و یافته‌ها ^۳
۱۹۳	■ نمایه‌گزاره‌ها
۲۱۱	■ ضمائم
۲۳۱	■ فهرست منابع داخلی
۲۳۳	■ فهرست منابع خارجی
۲۳۹	■ کتابشناسی

متباین، در جهت هدایت ما به سوی "تصور کلی ذاتی" از فضا (فضای معماری) نخواهند بود. با این حال، شرح و بیان این تعابیر، بیش از هر چیز، به منظور آشنایی با تعارضات بنیادی موجود در فهم فضا و توجه به "نافهمی" فضا، و نه فهم آن، صورت پذیرفته است. امری که بازاندیشی مورد نظر ما، و روش اعمال شده در آن را، به عنوان ضرورتی حتمی و اجتناب ناپذیر می نمایاند.

ممکن است با توجه به مشکلات برشمرده، و با توجه به تأثر انگاره "فضای معماری" از شرایط فرهنگی - تاریخی خاص، عمر استفاده از این انگاره را تمام یافته بدانیم. همچنین ممکن است با اشاره به این که بشر طی هزاران سال، بدون هیچ گونه گفت و شنود درباره آنچه بعدها "فضای معماری" نامیده شده است، دست به کار خلق آثار معماری بوده و در این امر توفیقی حتی بهر از بروز داشته است؛ پرداختن به انگاره "فضای معماری" را بی ثمر بشماریم. چراکه می دانیم روش دسته بندی و نامگذاری چیزها هر می تواند به شناخت آن چیزها کمک کند و هم می تواند محل این شناخت باشد. خصوصاً در صورت وجود ابهاماتی در مسئله اصلی امکان بروز چندگانگی وجود خواهد داشت. اما در عین حال اذعان خواهیم داشت که طرح واژه فضا، در مباحثات معمارانه، تولد و بالندگی مفهوم و تصویری را بآشکارا پدید آورده است که انکار نقش اساسی و بی بدیل آن، در تصور امروز، در معماری، ممکن نخواهد بود.

- ۳- ژانل: ۱۳۷۴، ص ۱۳
- ۴- H.P. Berlage
- ۵- Berlage, 1905, P. 21
- ۶- Henri Lefebvre
- ۷- Forthy, 2000, P.256
- ۸- Van de ven
- ۹- Forthy, 2000, P.265
- عموماً معماری را "هنر محصورسازی فضا" نامیده اند^۳ و ارج و اعتبار انگاره فضا در معماری - پس از طرح نظری آن - به گونه ای بوده است که برلاگ^۴ مقصود و هدف معماری را خلق فضا دانسته است^۵. هنری لفیور^۶ اذعان می دارد: "ارایه هر تعریفی از معماری، پیش تر، نیازمند آرایه تحلیل و توضیحی درباره انگاره فضا است."^۷
- ون دو ون^۸ اشاره می نماید که پس از سال های ۱۹۲۰ [م] تولید معانی مختلفی از "فضا" رشدی بی حد و حصر داشته است و هر معمار یا نویسنده ای معانی خاص خود را در این خصوص ابداع نموده است.^۹ آرایه تفاسیر و برداشت های عدیده از مفهوم "فضا"، و توسل به این واژه

برای ابراز و بیان نهفته ترین ویژگی های معماری، باعث گنگی و ابهام هر چه بیشتر این انگاره گردیده است. شاید تصور نمائیم که این گنگی خود واجد ارزش بوده و ما را در بیان چیزی غیر قابل بیان در معماری یاری می نماید. ولیکن آنچه در واقع شاهد بوده ایم آن است که این واژه به لقلقه زبان معماران مبدل گشته و در بسیاری اوقات استفاده از آن ثمری جز سردرگمی نداشته است.

خواهیم دید که تصور فضا، تصویری کسبی و نظری است. یعنی علاوه بر آنکه از طریق تجربیات مستقیم ما حاصل می گردد، ناشی از القائات دیگران نیز خواهد بود. لذا از آنجا که نوع برخورد و مواجهه ما با چنین تصویری وابستگی شدیدی با نحوه آموزش ما خواهد داشت، استفاده از این انگاره در مبانیات نظری و آموزش معماری مستلزم تبیین صحیح وجوه و حدود آن خواهد بود.

از سوی دیگر، وابستگی انگاره فضای معماری به شرایط فرهنگی و تاریخی خاص - غرب در دوران مدرن - همچنین وجود پاره ای پیش شرط های فلسفی و زیباشناسانه برای شکل گیری و طرح این انگاره؛ پیش از پذیرش و کاربرد، بذل توجه و اندیشه را مخصوص آن را الزام می نماید.

اندیشه در خصوص فضای معماری، یا بهتر بگوئیم بازاندیشی فضای معماری، مستلزم روشها و تمهیداتی خاص بوده است. به گونه ای که، بررسی و سپس فراغت از اقتضائات و القائات زمینه تاریخی - فرهنگی انگاره فضای معماری؛ آشنایی با تعارضات بنیادی موجود در فهم فضا؛ شک در صحت و یا عدم صحت نظریات آرایه شده درباره فضا و تعلیق هر گونه داوری در خصوص آنها؛ توسل به تجربه بی واسطه و توصیف فضا در طول یک روایت - مشتمل بر وجوه فردی و اجتماعی انسان -؛ نقاط عطف در مسیر بازاندیشی مورد نظر بوده اند.

در شرایطی که با تعدد نظرات و داوریهای غیرقابل جمع درباره فضا مواجه هستیم، تنها یک نوع بازخورد مقبول به نظر می رسد و آن

شک^۹ در صحت و یا عدم صحت تمامی این نظریات است. پذیرش یکی از میان این جمع و نفی دیگری و اصولاً هر گونه انتخاب و استنتاجی نمی تواند مبتنی بر دلایلی پذیرفته شده باشد. چراکه هر یک از انگاره های طرح شده، خود مبتنی بر شواهد و دریافتهای و یا باورهای قابل اتکاء بوده اند. همچنین پذیرش و یا نفی نظرات برشمرده، خود مستلزم وجود مجموعه ای از فرضها و داوریهای پیشین نزد ماست. اما شک^{۱۰} نخستین عمل و پاسخ قابل قبول از جانب هر پژوهشگری در مواجهه با تردید نظرات است. این شک به معنی نفی هیچیک از این تعبیر نیست، بلکه تعلیق هر گونه داوری در مورد آنها محسوب می گردد.

بدیهی است که غرض ما از این شک کناره جوئی از معضلات موجود در فهم فضا و یا فرار عواقب آنچه آغاز نموده ایم نیست. بلکه این شک، در واقع، به عنوان نقطه آغاز حرکت ما به سوی یقین فرض گشته است و از طریق آن، راهی را جهت اندیش و هضم انگاره های متباین ارایه شده برای فضا جستجو می نماییم.

در طول فصول سوم و چهارم از کتاب، با روش^{۱۱} روش شناختی از مجموعه سخنرانی های ادmond هوسرل^{۱۲} با عنوان^{۱۳} 'درآمدی بر پدیده شناسی استعمالی'^{۱۴} که بعدها 'تأملات دکارتی'^{۱۵} نامیده شد، سعی در به سامان رساندن شک ناگزیرمان، در مورد تمامی دانسته های خویش از مفهوم 'فضا' (فضای معماری)، به گونه ای صحیح و روشمند داشته ایم. بدیهی است با این انتخاب، خواه ناخواه، روش مطالعه ما لااقل در بخش عمده ای از این رساله مبتنی بر روش های پدیدارشناسانه خواهد بود.

مطالعه و پژوهش فضای معماری در چند زمینه و یا بستر مقدور می باشد. این زمینه ها و بسترهای مطالعه و پژوهش به شرح زیر قابل دسته بندی خواهند بود:

۱- زمینه کاربرد و استعمال فضا

زمینه کاربرد و استعمال فضا، بیش از هر چیز، به جنبه های

- Edmund Husserl - ۱۰
Ene Einleitung in die - ۱۱
Phaenomenologie
Cartesianische meditationen - ۱۲

جسمانی / فیزیکی در فضای معماری توجه دارد. در واقع، این زمینه مطالعاتی بیشتر متوجه عناصر سازنده و همچنین نحوه کاربرد فضا و رفتار انسان در درون آن بوده است. مجموعه مطالعات روان‌شناسان رفتاری (رفتارشناسان) به عنوان منابع اصلی و مهم مطالعه در این زمینه محسوب می‌گردند.

۲- زمینه تصور فضا

این زمینه مطالعاتی به آنچه که از فضای عینی و یا مفهوم فضا در ذهن می‌آید توجه نموده و با شکلی خیالی / انتزاعی با فضا برخورد می‌نماید. اهداف اصلی مطالعه در این زمینه آن است که آموزش مفهوم فضا غالباً در این بستر صورت می‌پذیرد. در این زمینه مطالعاتی در صورت عدم توجه به بسمان و یا مصداق‌های مشخص، ما با یک فضای کاملاً انتزاعی و مجرد، سرو هستیم.

هندسه، نجوم و غالباً فلسفه نیز در این زمینه و بستر به فضا نگریسته‌اند. فضای مورد اشاره علوم تجربی - فضای انتزاعی به معنای امر کلی - مشخصاً در این بستر مطرح می‌گردد. مطالعات روان‌شناسان شناختی (شناخت‌شناسان) از منابع مهم مطالعه در این بستر خواهند بود.

۳- زمینه تجربه فضا

این زمینه مطالعاتی، به دلیل اصرار بر تجربه بی‌واسطه، جنبه صبغه‌ای پدیدارشناسانه یافته و فضا در این بستر به عنوان یک زیسته تجربه می‌گردد. مطالعه در این زمینه، مشابه با هر مطالعه پدیدارشناسانه دیگر، به سه طریق اصلی مقدور می‌باشد:

First hand

الف - روش اول شخص^{۱۳}: روشی که هوسرل بانی آن محسوب می‌گردد.

ب - روش اگزستانسیال: این روش به مطالعه و جمع‌بندی تجارب افرادی که فضا را تجربه می‌کنند اشتغال می‌یابد. مطالعات

M. Merleau-Ponty
M. Heidegger
C. Norberg - Shulz

مرلوپونتی^{۱۴} نمونه ای از این روش مطالعاتی محسوب می گردد.

-۱۵

-۱۶

ج - روش هرمنوتیک : هایدگر^{۱۵} و متأثر از او شولتز^{۱۶} ، با این روش ضمن تأویل فضای تاریخی به تبیین مفهوم 'فضای وجودی' یا 'فضای زیسته' پرداخته اند.

بدون شک ، در مقایسه با سایر زمینه های مطالعاتی ، بخش عمده ای از مطالعات انجام شده در خصوص فضای معماری در زمینه کاربرد و استعمال ، صارت پذیرفته است و این مطالعات بیشترین تأثیر را بر چگونگی طرح فضای معماری توسط معماران داشته اند. اما همانگونه که خواهیم دید ، این زمینه مطالعاتی به واسطه دید کاربردی موجود در آن ، بیش از هر جنبه ما را با وجوه کارکردی فضا مشغول داشته و از این طریق از درک ساده جو آن غافل خواهد گذارد.

در مقابل ، از آنجاکه به نظر می رسد ، هنوز فضا ، بیش از تجربه بی واسطه آن ، از طریق آموزش به جوانان و انشایان معماری انتقال یافته باشد ، فراغت از زمینه مطالعاتی 'تصور' فضا و بی توجهی به آن هرگز جایز نخواهد بود. با این وجود ، به دلیل آنکه در این زمینه مطالعاتی ما بیشتر با یک تصور فضایی انتزاعی و مجرد روبرو هستیم ، و مطالعه این تصور معمولاً فارغ از تجارب عینی ما صورت می گیرد ، دریافت تمامی حقیقت فضا تنها از این طریق نیز مقدور به نظر نمی رسد.

در این نوشتار ، با توجه به کفایت نسبی مطالعات انجام شده در زمینه کاربرد و استعمال فضا ، و با توجه به محدودیت های این زمینه مطالعاتی برای عرضه تمامی وجوه فضا ، التفات و توجه کمتری به این زمینه مطالعاتی مشاهده خواهد گردید. در مقابل ، این کتاب ضمن توجه ضمنی به زمینه مطالعاتی 'تصور' فضا ؛ به واسطه شک ناگزیر در مسیر بازاندیشی 'فضای معماری' و به لحاظ تأکید و اتکاء بر تجربه بی واسطه فضا ؛ بیش از هر چیز ، به زمینه مطالعاتی 'تجربه' فضا معطوف خواهد بود.